

سیاست جنایی تقاضا محور در جرایم مواد مخدر

بهنام خدا دوست^۱، محمود قیوم زاده^۲، سعید عطا زاده^۳

^۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسیدانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران
^۲ آستاد گروه فرهنگ و معارف اسلامی، دکتری الهیات و حقوق دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران
^۳ استادیار حقوق جزا و جرم شناسی و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا، تهران، ایران

نویسنده مسئول: maarefteacher@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۱۰ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۴

چکیده

مهم‌ترین هدف جرم‌زدایی از مواد مخدر کاهش آسیب است. قانونگذار ایران در قانون مبارزه با مواد مخدر و اصلاحیه سال ۱۳۸۹ آن همچنین الحاق یک ماده به قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۶، با تعیین مجازات‌های سنگین بالاخص اعدام و حبس ابد، سیاست جنایی مبتنی بر سرکوب و کیفر را محور خود قرار داده است. سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر اساساً بر محور پاسخ‌های دولتی اعم از کیفری و غیرکیفری می‌چرخد ولی در قسمت پاسخ‌های غیرکیفری ناظر بر پیشگیری و درمان، نقش ارگان‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد نسبتاً کم رنگ محسوس است. جرم‌زدایی نسبی از اعتیاد، مشارکت دادن ارگانهای غیردولتی و مردم‌نهاد در درمان معتادان و ترک اعتیاد، جرم‌انگاری مواد روان‌گردان صنعتی و تقلیل مصادره کل اموال مجرم به اموال ناشی از جرم، همکاری با کشورهای دیگر در امر تعقیب و رصد جرایم مواد مخدر، وضع ضمانت اجرای ابطال گذرنامه برای مرتکبین و تشدید مجازات سرکردگان و عاملین اصلی جرایم مواد مخدر از موارد اصلاحیه سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۶ قانون مبارزه با مواد مخدر تحت تأثیر سیاستهای کلی مبارزه با مواد مخدر مصوب ۸۵ و ۳۱ و کنوانسیونهای بین‌المللی بالاخص کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد بوده است. همچنین می‌توان به جای زندانی کردن از جریمه کردن به طرق مختلف و بدون درج سوء پیشینه برای مصرف‌کنندگان یا دست‌اندرکاران مواد مخدر بهره برد. پرتغال از نخستین کشورهایی است که از کلیه مواد مخدر جرم‌زدایی کرد و نتایج مثبتی نیز حاصل شد. و یا کشور کانادا و نخست‌وزیر ترودو اعلام کرد که استفاده تفریحی از ماری‌جوآنا از تاریخ ۱۷ اکتبر ۲۰۱۸ در کانادا عملی مجرمانه نخواهد بود. در مسیر مبارزه با مواد مخدر کشور ایران متحمل هزینه‌های فراوانی (حدود ۴۰۰۰ نفر شهید و صرف متابع اقتصادی فراوان و...) شده است. این تحقیق ضمن بررسی دلایل تقاضا برای مواد مخدر، راهکارهای غیرکیفری و پیشگیرانه بخصوص در زمینه تقویت نهاد خانواده و ریشه‌های اقتصادی اعتیاد پیشنهاد می‌کند. و همچنین با رویکرد مدیریت ریسک، پیشنهاد میکند ریسک‌های شناسایی شده کم‌خطر را قابل قبول بدانیم و با تسامح بیشتری برای جرم‌انگاری و کیفر گذاری مواد مخدر سنتی که نسبت به انواع صنعتی آن ریسک پایین‌تری دارند، برخورد شود.

کلیدواژه: سیاست جنایی، اعتیاد، قطعیت مجازات، تقاضا محور

۱. مقدمه

اعتیاد به مواد مخدر یک مشکل جهانی و از معضلات بهداشتی، درمانی، اجتماعی و حقوقی جوامع مختلف محسوب می‌شود و هیچ کشوری را در دنیا نمی‌توان یافت که از این آسیب در امان مانده باشد. وسعت این مشکل کنونی چنان گسترده است که لودوینگ لوین سم شناس معروف در این مورد گفته اگر غذا را مستثنی کنیم هیچ ماده‌ای در روی زمین نیست که به اندازه مواد مخدر چنین آسان وارد زندگی ملت‌ها شده باشد (اورنگ، ۱: ۱۳۶۷) در حلا حاضر حدود ۲۷۵ میلیون نفر در جهان، مواد مخدر و روان‌گردان مصرف می‌نمایند که از این میان، ۳۱ میلیون نفر به این مواد اعتیاد آور وابستگی دارند (گزارش جهانی مواد مخدر ۲۰۱۸). سیاست جنایی ایران در مبارزه با اعتیاد به سوی جرم‌انگاری اعتیاد به مواد مخدر، بیشتر از جرم‌زدایی آن گرایش داشته است در اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر نیز هر چند اعتیاد جرم‌انگاری شده است، اما با وجود تاسیسات قانونی این امر تا حدودی تعدیل گردیده است و در سال ۱۳۹۶ با حذف کیفر اعدام در اکثر موارد و گفتن غالب سیاست جنایی در قانون جدید مبتنی بر اصلاح و درمان است و کاهش آسیب است. با توجه به ناکارایی سیاست جرم‌انگاری محض و جلوگیری از اتلاف هزینه و وقت دستگاه قضایی و انتظامی، همگام شدن با کنوانسیونهای بین‌المللی و بیمار دانستن شخص معتاد، بعنوان واکنش به پدیده اعتیاد به مواد مخدر گامی موثر در زمینه مبارزه با آن خواهد بود.

۲. اقسام سیاست جنایی

سیاست جنایی به اقسام مختلفی تقسیم می شود:

سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضائی، سیاست جنایی اجرایی، سیاست جنایی مشارکتی و غیره.

بند اول: سیاست جنایی تقنینی

از لحاظ قانونگرایی و مساوات طلبی، سیاست جنایی مطلوب آن است که در قانون برای عمل ارتكابی مجرمانه سقف معینی از مجازات پیش بینی گردد به طوری که نتوان به بیش از میزان پیش بینی شده در قانون حکم داد. چنانچه مجازات پیش بینی شده در قانون از حتمیت در اجرا برخوردار باشد تا شدت. و از جهت معیار انسانگرایی، سیاست جنایی تقنینی بایستی مبتنی بر اصل ((فردی کردن ضمانت اجرای کیفری)) باشد. تا از این طریق زمینه ساز بازگشت مجدد بزهکاران و منحرفان به جامعه گردد. در این صورت آنچه که مهم است اندیشه، اصلاح بزهکار است که ممکن است حتی از مجازات نیز خبری نباشد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۲۶۰).

بند دوم: سیاست جنایی قضایی

سیاست جنایی قضائی، سیاست اعلام شده از طرف قوه قضائیه و بویژه قضات دادگستری برای اجرا و در جریان اجرای قانون است. در واقع سیاست جنایی قضائی برون داد سیاست جنایی تقنینی در جریان اجرای رسیدگی قضائی است. تفسیری است که قضات دادگاه ها در حین اجرای قانون از آن به عمل می آوردند و آن را به اجرا می گذارند. که ممکن است لزوماً انطباق کامل با سیاست جنایی تقاضا محور نداشته باشد. به این دلیل که پیام های قانونگذار در زمینه سیاست جنایی به صورتهای متفاوت درک و پذیرفته می شوند. در حقوق مواد مخدر ایران، سیاست جنایی قضائی رسالت مهمی را از جهت تبیین راهبردهای عملی نحوه پاسخ دهی به پدیده مواد مخدر ایفاء می کند (ریموند گسن، ۲۳۵: ۱۳۷۱).

۳. تاریخچه تحولات مبارزه با مواد مخدر در فقه و قوانین ایران

در مورد جهش های مبارزه با مواد مخدر در قانون می توان سیر تقاضا محور ایران در این مورد را به دو دوره قبل انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی تقسیم کرد. در فقه اسلام هم به تحت مواد مخدر پرداخته شده است و یکی از مشکلاتی که از دیرباز جامعه بشری به آن مبتلا شده، عرضه و تقاضای نابجای مواد مخدر است و برای یک چنین مشکل پر مفسده هرگز نمی توان پذیرفت که حکمی در اسلام نداریم. فلسفه اجتهاد در فقه شیعه تعیین تکلیف و بیان احکام مشکلاتی از این قبیل است. سوء استعمال مواد مخدر و روانگردان به معنای طی مسیری زینبار و خطرناک تا سر حد هلاکت است. معتاد که به یک زندگی انگلی مبتلا شده در حقیقت یک مرگ تدریجی را پذیرا گردیده و این همان هلاک کردن و خود کشی است که خداوند در آیه کریمه خود را هلاک نکنید " و " خود را نکشید " (آیات ۱۹۵ سوره مبارکه بقره و ۲۹ سوره مبارکه نساء) آنان را از آن نهی فرموده است. اضرار به نفس حرام است و حدیث نبوی " لاضرر و لااضرار فی السلام " که در حکم قاعده و اصل در فقه شیعه می باشد، مؤید این مطلب است زیرا اکثر فقهای بزرگ شیعه " لا" را در " والاضرار " ناهیه می دانند که اضرار به نفس را هم شامل می شود. وقتی زیان آور بودن مصرف مواد مخدر و روانگردان ثابت است، حرام بودن آن از دیدگاه اسلام اثبات می شود و هنگامی که سوء مصرف آن حرام باشد، مقدمات آن شامل: تولید و عرضه به منظور سوء استفاده و مصرف باشد هم حرام می شود و در این صورت چون عرضه کننده و سوء مصرف کننده مرتکب فعل حرام و منکر شده اند، نهی از ارتکاب عرضه و تقاضا نیز لازم می گردد. لذا مجازات تولید کننده ای که به منظور عرضه ی غیر قانونی دست به تولید زده و سوء مصرف کننده به خاطر حفظ و صیانت اجتماع و جلوگیری از مفسدتی که بر عرضه و تقاضا مرتبط است و تنبیه مجرم مانند هر جرم دیگر لازم می باشد. (ساک، ۳۱۲: ۱۳۹۰-۳۱۴) - شهید استاد مرتضی مطهری (متوفی در سال ۱۴۰۰ هجری قمری) هم در این خصوص مطلبی دارد: " ... ما به حکم آنکه می دانیم چیزی که برای بشر مضر است و مفسده داشته باشد از نظر شرع حرام است، حکم می کنیم که اعتیاد به تریاک حرام است ". (نوری، ۲۱۱: ۱۳۷۸) سیاست جنایی ایران در برخورد با قاچاق مواد مخدر، عملاً بیشتر معطوف به برخورد با افراد حاشیه ای بوده است و افراد اصلی در معرض تعقیب نبوده اند عدم دسترسی به افراد اصلی، به علت سازمان یافته بودن جرم قاچاق مواد مخدر است عاملان اصلی برای قاچاق از دور برنامه ریزی می کنند و افراد ضعیف و آسیب پذیر را وارد میدان می کنند بنابراین شرایط مبارزه با مواد مخدر عملاً به مبارزه با لایه های پایین سازمان قاچاق مواد مخدر محدود می شود (رحمدل، ۸۲: ۱۳۸۶). با این که در اصلاحیه های قانون مبارزه با مواد مخدر با الحاق مواد ۱۸ و ۳۵ به قانون مذکور از طریق اعمال مجازات شدیدتر (اعدام و حبس ابد) برای کسانی که این جرایم را از طریق اشخاص دیگری مرتکب می شوند یا فعالیت های مجرمانه را سازماندهی و پشتیبانی مالی می کنند تا حدی این خلأ تقنینی رفع شده است ولی مشکل دسترسی به عوامل اصلی یا سرکردگان این جرایم، تعقیب آنها از نظر تقاضا محور و بالاخره عدم تعادل و تناسب مجازاتها بالاخص در مورد افراد خرده پا کماکان باقی است. " اگر مجازات استفاده کردن از کراک شدیدتر از مجازات استفاده مضر از کوکائین در شرایط

یکسان باشد بی عدالتی ماهوی وجود خواهد داشت. می توان به کامل شدن عدالت ماهوی (اجتناب از تمام بی عدالتی ها) امید بست ولی کامل شدن عدالت شکلی (به لحاظ وجود اشتباهات تقنینی اجتناب ناپذیر) امکان پذیر نخواهد بود (جرج پی، ۱۳۸۴:۳۵۱). جای خرسندی است که مجمع تشخیص مصلحت نظام در ماده ۴۵ اصلاحیه سال ۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر، اختیار اصلاح آن را به مرجع عام قانونگذاری (مجلس شورای اسلامی) داده است و این مهم، نقطه عطفی است در راستای جرم انگاری اصولی مبتنی بر افکار عمومی که مجلس آن را نمایندگی می کند. با توجه به این که بسیاری از کشورها، اعدام را از قوانین خود به صورت عملی یا قانونی حذف نموده اند و در این راستا به اسناد بین المللی و علی الخصوص اسناد منطقه ای نیز پیوسته اند، وجود سند بین المللی که به الفا مجازات اعدام در همه ی زمانها بدون هیچگونه شرطی بپردازد و در ضمن دارای مجازات جایگزین باشد، ضروری به نظر میرسد.

۴. اصلاح، درمان و پیشگیری

قبل از اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، ماده ۱۵ آن قانون صراحتاً اعتیاد را جرم می دانست ولی به کلیه معتادان اجازه درمان و بازپروری داده می شد. ولی قانونگذار در بند ۶ و ۱۷ اصلاحیه با الحاق مواد ۱۵ و ۱۶ به قانون، ابتدائاً با جرم زدایی از اعتیاد و تلقی آن به عنوان بیماری، معتادان را مکلف به درمان و ترک اعتیاد خود با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیردولتی یا خصوصی و یا سازمان های مردم نهاد نموده است. چنانچه معتادان از انجام این تکلیف خودداری نمایند قانونگذار به قید این شرط معتاد را مجرم تلقی نموده و مستوجب مجازات حبس از ۹۱ روز تا شش ماه دانسته است. ملاحظه می شود که سیاست جنایی قانونگذار در مورد پدیده اعتیاد مبتنی بر پاسخ دولتی و جامعه‌ی غیرجنایی از طریق درمان و بازپروری است. چنانچه معتاد خود را تسلیم این سیاست درمان و حمایت نکند مجرم تلقی شده و از جهت تخطی از تکلیف درمان و ترک اعتیاد (نه به جهت اعتیاد)، مشمول سیاست جنایی قانونگذار قرار می گیرد. از نظر روابط فرعی ناشی از پاسخ های سیاست جنایی، مقنن با جرم زدایی از اعتیاد و برخورد بیمارگونه با معتاد، رابطه عرضی (جایگزین) را اختیار نموده است. مگر اینکه معتاد به تکلیف درمانی و ترک اعتیاد خود عمل ننماید که در این صورت نه از جهت اعتیاد بلکه از جهت تخطی از عمل به تکلیف درمان خود مجرم شناخته می شود. به عبارت دیگر سیاست جنایی اولیه مقنن در مورد معتاد متأثر از بندهای ۶ و ۷ سیاست های کلی مبارزه با مواد مخدر مبتنی بر سیاست غیرجنایی (درمان و بازپروری) است. چنانچه شخص معتاد به تکلیف مقرر مبنی بر ارایه گواهی درمان و ترک اعتیاد عمل ننماید سیاست جنایی جایگزین می گردد (رابطه عرضی). پیشگیری غیرجنایی از اعتیاد و وقوع جرایم مواد مخدر با اینکه در دو ماده ۴ و ۹ سیاست های کلی مبارزه با مواد مخدر سال ۱۳۸۵ بر محور اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه در مقابله با تهدیدات و آسیب های ناشی از مواد مخدر و مشارکت جدی آحاد مردم و خانواده ها و حمایت از تشکل های مردمی در زمینه های پیشگیری، کاهش آسیب و درمان معتادان مورد توجه قرار گرفته است ولی در اصلاحیه، مقرر ی خاصی در مورد پیشگیری غیرجنایی از جرایم مواد مخدر ملاحظه نمی گردد اما در مورد اعتیاد، اعمال سیاست درمان و بازپروری به نوعی پیشگیری ثانویه از جرم که معطوف به گروه های در معرض خطر و ارتکاب جرم (مثل معتاد) می باشد، تلقی می شود. علاوه بر این، چنین اظهار نظر شده که قوانین و نهادهای اجرای قانون، اعتبار و مشروعیت خود را از هماهنگی با «درک عمومی از دولت» به دست می آورند. کتاب قانون بدون داشتن ریشه ای عمیق در "روح مردم" و "آداب و رسوم رایج" به یک ببر کاغذی بدل می شود (زینالی، ۱۳۸۲:۲۳۵). به قول «ژرژ پیکا» با فقدان اجماع یک اکثریت کافی، قانون جنایی باید قلمروهایی را که مدتها تحت حاکمیتش بوده است ترک کند و اعمالی که تاکنون با عنوان "مجرمانه" مورد ملاحظه قرار می گرفتند در قالب فرایند «جرم زدایی» از سیطره قانون جنایی خارج سازد (پیکا، ۱۰۲:۱۳۷۰). در همایش بین المللی مواد مخدر در تهران، مجازات اعدام که از دیدگاه های مختلف مورد بررسی قرار گرفت مورد تردید واقع شد و فاصله بین سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی در ایران از جمله دلایل ضرورت تجدیدنظر در مجازات مذکور تلقی گردید. پیشنهاد ارسال محکومیت به اعدام از سوی قضات صادر کننده احکام اعدام با هدف تبدیل آن به حبس ابد توسط دیوان عالی کشور، با توجه به وضع خاص برخی از محکومان که آلت فعل تشکیلات تبهکاری خارج از کشورند، قرینه ای بر عدم اعتقاد قضات به این مجازات تلقی می گردد ظاهراً در پاکستان نیز، از طریق تجدیدنظر در احکام اعدام و تبدیل آن به مجازات حبس، سعی بر رعایت تناسب بین جرم و مجازات می گردد (آشوری، ۲۰۷:۱۳۹۲). از دیدگاه فلسفی و نظریه سزادهی و مکافات گرایی، اگر مجرم با تحمل مجازات های سنگین بالاخص اعدام تاوان عمل مجرمانه خود را پس می دهد و دین خود را به جامعه از جهت ایراد صدمه ادا می کند، آیا عادلانه بودن مجازاتها و تناسب آن با جرم ارتكابی نباید مورد توجه قرار گیرد و آیا عدم رعایت آموزه های کیفرشناسی و اصول و قواعد حاکم بر وضع مجازاتها از نظر تئوری و عملی، بر خلاف موازین عدالت نخواهد بود؟ «آیا "حیات" و "جان" به عنوان ابزاری برای پرداخت دین به جامعه محسوب می گردد و مجازات اعدام را با این بهاء گران می توان سنجید پاسخ به این پرسش شبیه بر انگیز و دشوار خواهد بود» (داوودی گرمارودی، ۲۵۹:۱۳۸۳). به عقیده بکاریا، نمایش وحشتناک اما زودگذر

^۱ به نقل از همایش بین المللی علمی - کاربردی، جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، مجموعه مقالات (سخنرانی های

اعدام تبهکار، قوی ترین عامل بازدارنده در مقابل جرایم نیست بلکه نمونه طولانی و مدام یک انسان محروم از آزادی است که به مانند یک حیوان بارکشی، با تحمل خستگی و رنجهای شدید، خسارات جامعه زیاد دیده از عمل خود را جبران می کند. بنابراین عدالت خوب آن نیست که شدیداً مجازات کند بلکه آن است که به همه تبهکاران بپردازد (ژان پرادل، ۱۳۸۷: ۵۴-۵۵). لذا انحراف قانونگذار از ایدئولوژی حاکم بر مجازاتها و واقعیت انسانی جرم، بیراهه رفتن و تحمل شکست عمیق در نیل به اهداف مجازاتها را در پی خواهد داشت که در عمل نیز غیر از این شاهد نیستیم. در مورد مجازات، به نظر قضات کارآیی "اعدام" مورد تردید می باشد و فاصله بین سیاست جنایی تقاضا محور از سیاست جنایی تقنینی در ایران از جمله دلایل ضرورت تجدیدنظر در مجازات مذکور تلقی می شود و پیشنهاد برخی از قضات صادرکننده احکام اعدام مبنی بر تبدیل اعدام به حبس ابد قرینه ای بر عدم اعتقاد قضات به این مجازات تلقی می شود (آشوری، ۱۳۷۹: ۳۳۷). رویه ایران در برخورد با مجازات اعدام، مخصوصاً در سالهای اخیر از خود نمش بیشتری نشان داده است، برای مثال از بین ۱۲۵ هزار پرونده مربوط به مواد مخدر که طی سال های اخیر مورد بررسی قرار گرفته است ۲۰۰۰ فقره آن منجر به صدور حکم اعدام برای متهمان شده اند و این تعداد (۲۰۰۰ فقره) فقط نه دهم درصد پرونده های جامعه آماری مورد آزمون را تشکیل می داده اند. از این تعداد حکم اعدام نیز فقط دوازده درصد به اجرا گذاشته شده است و بقیه آنان یا مشمول عفو واقع شده و یا به دلیل واقع بینی دیوان عالی کشور نقض شده اند (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۹: ۳۳). نقض احکام اعدام به وسیله دیوان عالی کشور، نشان دهنده عدم همسویی سیاست جنایت تقاضا محور با سیاست جنایی تقنینی است. چون قضات پیش از آنکه حامی و مجری قوانین باشند انسانند و به حکم طبیعت خود، میل دارند قانون را به گونه ای تفسیر کنند که با عدالت منطبق باشد. قاضی نماینده دولت است و به نام او تصمیم می گیرد ولی به عنوان «انسان» از محیط متأثر می شود (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۶۶۵). اصول حتمیت و قطعیت مجازات ها که از ایده های سزار بکاریا در کتاب رساله جرایم و مجازات ها می باشد به این معنی است که مردم و بالاخص مجرمین باور قطعی داشته باشند هر کس مرتکب جرمی شود بدون تردید و به صورت حتمی به مجازات خواهد رسید. "حتمی بودن عقوبتی حتی معتدل، همیشه تأثیر شدیدتر از ترس از مجازاتی موحش که امید رهایی در آن راه دارد به جا می گذارد، زیرا وقتی گریز از کیفر محال باشد ملایم ترین رنج ها روح بشر را متوحش می کند هر چه کیفرها ملایم تر باشد ضرورت ترحم و عفو کمتر احساس می شود... زیرا اگر مردم دریابند که می توان از سر تقصیراتشان گذشت و مجازات نتیجه ضروری اعمالشان نیست امید فریبنده رهایی از کیفر در نهادشان پرورش می یابد" (بکاریا، ۱۳۷۷: ۸۶-۸۷). به جای تأکید در استفاده از کیفرهای بدنی سنگین که تاکنون مؤثر واقع نشده است باید دست اندرکاران مواد مخدر را در مقابل دو امر حتمیت و قاطعیت در امور جنایی قرار داد تا از ارتکاب جرم منصرف شوند حتمیت در کشف جرم و قاطعیت در اجرای کیفر متناسب با قبح و زیان اجتماعی جرم حتی به مقدار کم. زیرا افکار عمومی ارتکاب قاچاق را کار چندان خوار و خفیف نمی دانند تا موجب رسوایی و کسر شأن و حیثیت و برانگیختن نفرت عموم گردد (گلدوزیان، ۲۰۲۹: ۱۳۸۰). کارآیی قانون خفیفی که حتماً و قطعاً از سوی دادگاهها اجرا شود بسیار بیشتر از قانون شدیدی است که قضات از استناد به آن و اجرای مفاد آن نسبت به مجرمان ابا دارند (ژان براول، ۱۳۷۳: ۶۱). مضافاً اینکه بررسی های علمی روانشناسان، جامعه شناسان و جرم شناسان نشان داده است که شدت و سخت گیری در سیاست های مبتنی بر سرکوبی، چنانچه به طور دایمی و در طول زمان صورت بپذیرد و جنبه برنامه ریزی شده و زمان بندی مشخصی نداشته باشد اثر بازدارندگی خود را از دست می دهد (باصری، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

سیاست های غیر کیفری برای کاهش تقاضای مواد مخدر

۱. اعمال سیاست های پیشگیرانه از طریق تقویت نهاد خانواده:

سنگ بنای شخصیت هر فرد در خانواده و توسط والدین او گذارده می شود. یک خانواده سالم خانواده ای است که همه امور و فعالیت های آن منطبق با موازین و معیارهای حاکم بر جامعه باشد. عوامل خطر آفرین خانوادگی که کودکان و نوجوانان را مستعد سوء مصرف مواد و اعتیاد می کند همان عواملی هستند که می تواند به سایر رفتارهای مشکل ساز و ناهنجاری های اجتماعی دیگر مثل انحرافات جنسی، سرقت، افت تحصیلی، فرار از مدرسه و بزهکاری بیانجامد. امروزه نهاد خانواده در غرب از جایگاه اصلی خود دور شده است. البته حمایت های اجتماعی که از کودکان و نوجوانان در غرب می شود تا حدودی آثار زیانبار سست شدن نهاد خانواده را پوشش داده است. اما در جامعه ما که یک جامعه اسلامی است و تعالیم اسلامی ارزش های خانوادگی را به بهترین وجه بیان کرده و مورد تأکید قرار داده است، نباید شاهد سست شدن پایه های خانواده باشیم. هرچه قدر که دولت در زمینه تقویت نهاد خانواده هزینه کند در مقابل هزینه هایی که برای درمان معتادان و یا مبارزه با قاچاقچیان و سایر هزینه ها ناچیز است و البته اثر بیشتری دارد. سیاست هایی که دولت برای تقویت نهاد خانواده باید انجام دهد عبارتند از: دولت باید اقدامات مناسبی برای آموزش و تقویت آگاهی های خانواده انجام دهد و سعی کند جلو انحرافات و سوء مصرف مواد مخدر را از ریشه بگیرد. به این منظور باید:

۱. مراکز مشاوره خانواده برای راهنمایی ها و حل اختلافات و جلوگیری از فروپاشی خانواده را ایجاد نماید.

۲. آگاهی های لازم به خانواده ها را از طریق تدارک برنامه ها متعدد در صدا و سیما ارائه نماید.

۳. روحیه همکاری و وفاداری متقابل زن و مرد در زندگی مشترک و بحران های خانوادگی و پرهیز از ترویج روحیه مردستیزی و یا زن ستیزی را در برنامه های فرهنگی مختلف بازنمایی نماید.

۴. ضرورت توجه والدین نسبت به تخصیص زمان کافی جهت تربیت فرزندان و تأمین نیازهای عاطفی آنان و پیامدهای بی توجهی به این امر را از طرق مختلف بازنمایی نماید.

۵. فرزندان خانواده های زندانیان بخصوص زندانیان مخدر(درخطر) را تحت پوشش قرار دهد.

اما نمی توان از کیان خانواده صحبت کرد و از نقش محوری و بنیادی مادر خانواده سخن به میان نیاورد. همانطوریکه برای به لجن کشیدن یک جامعه کافی است تا زنان ومداران را به انحراف کشانید تا خودبخود اساس آن جامعه از درون نابود شود برای تعالی یک جامعه هم باید زنان و مادران را توانمند ساخت. دولت باید در کنار نقش اجتماعی که برای زنان قائل است شرایطی و سیاست هایی تدوین کند که به نقش مادر بودن و همسر بودن ومدیریت فضای خانه توسط زن خللی وارد نیاید. تقویت حضور زنان در محیط خانه برای ایفای نقش مادری شاید برای دولت هزینه بر باشد ولی در مقابل هزینه هایی که برای مبارزه با مواد مخدر، هزینه درمان معتادان و... بسیار ناچیز است. سیاست هایی که دولت باید برای توانمند ساختن زنان ومداران در پیش بگیرد تا بتواند تقاضای مصرف مواد مخدر را در خانه ها و از ریشه بخشکاند عبارتند از:

۱. بیمه زنان خانه دار ۲. کم کردن ساعت کاری زنان شاغل جهت حضور بیشتر در خانه ۳. بازنشستگی پیش از موعد برای زنان شاغل ۴. آموزش های لازم برای زنان درباره آثار زیانبار مصرف مواد مخدر و راههای مقابله با آن بصورت مستمر و ادواری در خانه های بهداشت برای زنان خانه دار و همچنین در دوره های ضمن خدمت برای زنان شاغل ۵. ایجاد امکانات ورزشی مناسب برای بانوان ۶. آگاهی بخشی زنان در خصوص تأثیر تغذیه مناسب، ورزش و رعایت بهداشت و تأمین سلامت جسمی و نشاط روحی روانی ۷. ایجاد روحیه پس انداز و آینده نگری جهت اداره خانواده بر محور قناعت ۸. ایجاد مراکز مناسب جهت انجام فعالیت های تولیدی و خود اشتغالی در کنار وظایف خانه داری جهت کمک به اقتصاد خانواده هدایت زنان در پذیرفتن نقش های اجتماعی هماهنگ با نقش مادری و همسری.

اعمال سیاست های پیشگیرانه از طریق آموزش و پرورش

بدون شک پس از خانواده، مدرسه بیشترین تاثیرگذاری را بر شخصیت نوجوانان دارد. فرزندان این مرز و بوم در مقطعی از زندگی به دست این نهاد سپرده شده و اگر نظام آموزشی بر اساس درک صحیح از ضرورتها و شرایط جدید زندگی اجتماعی بی ریزی نشده باشد، نمیتواند در آموزش مهارتهای پایه برای توفیق در زندگی اجتماعی، موفق باشد. پیشگیری از اعتیاد به معنی به کارگیری اقداماتی است که آگاهی افراد جامعه را نسبت به عواقب و مضرات ابتلا به اعتیاد بالا می برد و احتمال گرایش آنان را کاهش داده و از سوء مصرف مواد مخدر جلوگیری می کند. توجه به فرایندها و بازنگری و ارتقاء آنها در نظام آموزشی از اهمیت بالایی برخوردار است. اما سیاست هایی که بنظر می رسد اگر دولت آنها را در نظام آموزشی کشور اجرا کند می تواند پدیده شوم اعتیاد را در سنینی که تاثیر پذیری بچه ها بیشتر است و بهتر می توان به آنها جهت داد، کنترل کند. این سیاست ها عبارتند از: ایجاد درک صحیح از خطر اعتیاد برای مدیران آموزش و پرورش. تهیه کتاب درسی با عنوان پیشگیری. هویت بخشی به دانش آموزان. ایجاد رضایت بخشی جهت حضور در مدرسه و تعامل با اولیاء.

اعمال سیاست های پیشگیرانه از طریق سازمان های مردم نهاد

دولت باید برای کاهش تقاضا برای مواد مخدر از جامعه مدنی کمک بگیرد. تشویق و حمایت از سازمان های مردم نهاد برای مبارزه با اعتیاد بسیار موثر است. امروزه سازمان هایی با محوریت افرادی که قبلا معتاد بوده اند و درمان شده اند تشکیل شده است و بصورت خودگردان به درمان سایر معتادان می پردازند. این سازمان ها بار اصلی درمان معتادان را بدوش می کشند درصد زیادی از درمان اعتیاد توسط سازمان های مردم نهاد و بخش خصوصی صورت می گیرد و تنها بخش کمی از آن از سوی بخش دولتی انجام می شود و موفقیت آنها از سازمان های دولتی با وجود بودجه وامکانات دولتی بیشتر است. دولت باید برنامه ای جهت تقویت و حمایت از آنها اعم از حمایت های مالی، در اختیار گذاشتن فضای مناسب کاری و تقویت مهارت های آنان از طریق آموزش و در اختیار گذاشتن مشاوره، تدوین و عملی نماید.

سیاست های غیر کیفری پیشگیرانه در حوزه بهداشت و درمان

ارتقا وضعیت درمان

احداث کلینیک درمان اختلالات جنسی: غالب مواد مخدر (و نه همه شان) در اوائل مصرف، تاثیر مثبتی بر این اختلال دارند و این ویژگی موجب تمایل بعضی از مردان ایرانی به مصرف مواد مخدر، و بخصوص تریاک، گشته است. در کشورهای پیشرفته، کلینیک های تخصصی وجود دارند که کادر پزشکی و

پیراپزشکی شان در زمینه درمان اختلالات جنسی تخصص دارند. در کشور ما، بیماران مبتلا به ناتوانی جنسی اصلا نمیدانند که به کجماجره کنند. ضمن آنکه خصوصیات فرهنگی ما موجب شده تا بحث در این مورد را زشت و شرم آور بدانند.

افزایش کلینیک های مشاوره ای:

افسردگان بیشترین و مهم ترین بخش معتادان را تشکیل می دهند. گسترش طرح تحول سلامت به زندان ها؛ با توجه به افزایش چشمگیر زندانیان و کمبود منابع مالی و فضای مناسب فضای اصلاحی که باید در زندان ها حاکم باشد از قبل نامساعدتر شده است. علاوه بر این کمبود پزشک بعلت تحت پوشش قرار نگرفتن زندانها در برنامه طرح تحول سلامت باعث شده است شرایط بسیار نامطلوبی در زندان ها رقم بخورد که دولت باتحت پوشش قرار دادن زندانها می تواند گام بزرگی در زمینه اصلاح زندان ها و تأمین شرایط مناسب برای درمان معتادان زندانی فراهم نماید.

سیاست های کیفی برای کاهش تقاضا مواد مخدر

محور سیاست های مبارزه با مواد مخدر تصویب و اعمال مجازات های سنگین است و بدون توجه به ریشه های اجتماعی اعتیاد و علل روی آوردن مردم به مواد مخدر صرفا با رویکرد مبارزه با عرضه مواد مخدر و ریشه کنی اعتیاد سیاستگذاری شده است. ولی حتی سنگین ترین مجازات ها مانند اعدام که هرساله بصورت مکرر هم اعمال می شود نتوانسته است گره کور اعتیاد و مبارزه با مواد مخدر را باز کند. مبارزه و مقابله به طریق کنونی نه تنها نتیجه نداده بلکه برای گروه های مافیایی شرایط مطلوبی فراهم نموده است و آنها با در اختیار داشتن امکانات لازم می توانند مواد مخدر را به راحتی جا به جا کنند. در نظر بگیریید برای مثال اگر در کشور دو میلیون و دویست هزار نفر معتاد وجود داشته باشد و آنها هر روز پنج گرم مواد مخدر مصرف کنند، روزانه یازده میلیون گرم معادل یازده هزار کیلو مواد مخدر مصرف می شود. تأمین و جابجا نموده این مقدار مواد مخدر و در دسترس گذاشتن آن کار حساب شده و دقیقی است که گروه های مافیایی آن را انجام میدهند. این بازار بزرگ مصرف دارای سود سرشاری است که گروه های مافیایی براحتی حاضر به صرف نظر کردن از آن نیستند. هرساله مملکت هزینه های گزافی صرف مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر می نماید و جوانان بسیاری در این راه به شهادت رسیده اند (حدود ۴۰۰۰ نفر براساس امار اداره مبارزه با مواد مخدر) و همچنین با توجه به بعد ترانزیت مواد مخدر از خاک ایران، جمهوری اسلامی ایران بهای گزافی جهت ممانعت انتقال مواد مخدر به غرب می پردازد. در ایران تا زمانی که به ریشه ها و علل بنیادی و محور تقاضا پرداخته نشود توفیق چندان بدست نخواهد آمد. هیچ یک از این روش ها نه تنها نتوانسته از افزایش جمعیت معتادان و قاچاقچیان مواد مخدر جلوگیری کند بلکه تعداد آنها افزایش یافته و سن مصرف مواد مخدر نیز کاهش یافته است. همچنین جمعیت بانوان کشور هم به مواد مخدر روی آورده اند. بنابراین بی اثر بودن استفاده از مجازات در برخورد با قاچاقچیان مواد مخدر و مصرف کنندگان مواد مخدر بی ثمر بودن شیوه ارعابی و کیفر محور را کاملا مشخص میکند. در واقع سیاست جنایی کشور ما توجهی به شرایط اقتصادی و معیشت مردم نداشته است و با تأسیس کیفرهای سنگین فقط با سرکوبگری قصد ریشه کنی اعتیاد را دارد. در صورتی که همین سیاست ها و همین شدت عمل ممکن است در کشوری که مردم دچار مشکلات اقتصادی نیستند و در رفاه نسبی قرار دارند پاسخگو باشد و بتواند تاحدودی موفق عمل نماید. چون فقر که ریشه اعتیاد است مهار شده است. بطور کلی این سیاست سرکوبگر و این شدت عمل برای شرایط فعلی جامعه ما مناسب نیست و کارایی ندارد. زیرا افرادی بیشتر به اعتیاد روی می آورند که یا دارای مشکلات اقتصادی اند یا از لحاظ روحی و روانی دچار افسردگی هستند. روش برخورد با این افراد باید براساس اصول علمی و قطعا رفع مشکلات باشد؛ بنابراین مجازات هیچ گونه اثر معناداری نخواهد گذاشت. کما این که تاکنون نداشته است. اما همان اندازه که شدت مجازات در مورد قاچاق مواد مخدر و مصرف آن تاثیر لازم را ندارد تخفیف مجازات نیز نمی تواند آنچنان موثر باشد، زیرا تا زمانی که عوامل اجتماعی و فردی قاچاق مواد مخدر ریشه کن نشده است تخفیف مجازات موجب تشویق معتادان و قاچاقچیان خواهد شد. اما در این شرایط که نه شدت مجازات پاسخگو است و نه تخفیف مجازات پس چه باید کرد؟ و کدام سیاست می تواند برای جامعه فعلی ایران سیاست مناسبی باشد؟ بهترین و مناسب ترین سیاست برای کشوری که هم خواهان ریشکنی اعتیاد و هم فاقد بستر های لازم برای مبارزه با اعتیاد است مدیریت ریسک و اعمال سیاست هایی برای کاهش خسارت و آسیب است. در شرایطی که نتوانسته ایم اعتیاد را ریشه کن و حتی آن را مهار کنیم و امروزه شاهد افزایش معتادان و کاهش سن اعتیاد و شیوع اعتیاد در میان جامعه بانوان هستیم باید تدابیری بیاندیشیم تا از شدت آسیب هایی که اعتیاد بر بدنه جامعه وارد می کند بکاهیم. در سیاست فعلی هیچگونه ریسکی قابل قبول نیست و تمام ریسک های شناسایی شده قابل قبول نیستند و حاکمیت خود را موظف به حذف همه آنها نموده است. کشت، نگهداری، حمل، خرید و فروش، صادرات، واردات، توزیع و استعمال انواع مواد مخدر جرم انگاری شده اند بدون در نظر گرفتن این نکته که میزان ریسک مواد مخدر صنعتی با میزان ریسک مواد مخدر سنتی بسیار متفاوت است و مواد مخدر صنعتی دارای پیامد های سنگین تری هستند و ریسک بالاتری دارند. اکنون که فضای اقتصادی اجتماعی کشور برای حذف همه ریسک ها در زمینه مواد مخدر مهیا نیست باید بعضی از ریسک ها در جامعه بپذیریم و آنها را قابل قبول بدانیم و توان وامکانات را برای مبارزه با ریسک های بالاتر صرف نمود. با تغییر شرایط جامعه می توان سطح ریسک های قابل قبول را بالاتر یا پایین تر در نظر گرفت. و باید توجه داشت که این یک امر متغیر است که تابع شرایط اقتصادی و اجتماعی است. بنابراین با استفاده از مدیریت ریسک باید به سمت جرم زدایی از ریسک های کم و بعضی از فرایندها

های مرتبط با مواد مخدر سنتی رفت. در واقع مبنای سیاستگذاری باید از ریشه کنی اعتیاد به سمت کاهش آسیب درمان آسانتر و کم هزینه تر پیشگیری از اعتیاد کودکان و زنان، کنترل فضای حاکم بر اعتیاد و مواد مخدر و کوتاه کردن دست مافیاست. مواد مخدر تغییر کند و در کوتاه مدت دنبال هدف دست نیافتنی ریشه کنی اعتیاد نباشیم و زمانی که ریشه های اقتصادی و اجتماعی اعتیاد خشکانده و از بین رفت در سیاستگذاری ها بازنگری کنیم و هدف ریشه کنی را احیا کنیم.

نتیجه گیری

جرایم بزرگ و مجرمین بزرگ و خطرناک نیاز به سیاست جنایی بزرگی دارد. این سیاست جنایی هم به پیشگیری باید نظر داشته باشد، هم به مبارزه و هم به کمک به افرادی که مصرف کننده و یا بیمار هستند. در این مسیر همکاری دولت، حاکمیت، نهادهای داخلی و بین المللی، جامعه ی مدنی، جامعه ی رسمی و غیررسمی الزم است. به عبارت دیگر باید قایل به یک سیاست جنایی مشارکتی به جای سیاست کیفری بود. در شرایطی که نه شدت مجازات پاسخگو است و نه تخفیف مجازات پس چه باید کرد؟ و کدام سیاست می تواند برای جامعه فعلی ایران سیاست مناسبی باشد؟ بهترین و مناسب ترین سیاست برای کشوری که هم خواهان ریشکنی اعتیاد و هم فاقد بستر های عمقی لازم برای مبارزه با اعتیاد است مدیریت ریسک و اعمال سیاست هایی برای کاهش خسارت و آسیب است.

پیشنهاد می شود:

با اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در کیفرهای تعیین شده برای مواد مخدر تفکیک قائل شد و مواد مخدر صنعتی را که آثار زیانبار روحی و جسمی دارند را شدید تر و مواد مخدر سنتی را خفیف تر کیفر گذاری کرد. با اصلاح قانون مبارزه با مخدر استعمال بعضی از مواد مخدر سنتی مانند تریاک را جرم زدایی کرد. نگهداری تریاک را برای مصرف شخص جرم زدایی نمود و فقط تجارت و توزیع آنرا کیفر گذاری کرد. ترغیب اطفال و نوجوانان و بانوان به سوء مصرف مواد مخدر را جرم انگاری نمود. اعمال مجازات های جایگزین حبس در مورد مجرمین مواد مخدر زیرا خانواده های آنان بسیار در خطر ابتلا به اعتیاد و توزیع مواد مخدر هستند. برای حمایت از آنان تعیین مجازات های جایگزین مانند حبس در خانه، پرداخت جریمه، نظارت های مستمر، تعیین برخی از محرومیت های اجتماعی دیگر و انجام کارهای عام المنفعه برای متهمان ضروری به نظر می رسد. جرم و جنایت همواره از مواردی است که از سوی قانون توبیخ جدی را به دنبال دارد. مجازات زندان گرچه به عنوان یک راه برای اصلاح، درمان؛ پیشگیری و رعایت عدالت در جامعه در مواجهه با قانون شکنان و مجرمین پذیرفته شده و ضروری به نظر می رسد؛ اما آسیب های ناشی از آن، خانواده زندانی را در ردیف قربانیان واقعی جرم قرار داده است.

منابع :

۱. باصری، علی اکبر، سیاست جنایی (داخلی و بین المللی) مواد مخدر، چاپ اول، نشر خرسند، سال ۱۳۸۳
۲. بولک، برنارد، کیفرشناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ دوم، ناشر مجمع علمی و فرهنگی مجد ۱۳۸۱
۳. رادل، ژان، تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، نشر یلدا، ۱۳۸۸
۴. رحمدل، منصور، حقوق کیفری مواد مخدر، چاپ اول، انتشارات میثاق عدالت با همکاری انتشارات سها دانش ۱۳۸۳
۵. زراعت عباس، حقوق کیفری مواد مخدر، چاپ اول، انتشارات ققنوس ۱۳۸۳
۶. ساسکی، محمدرضا، جرایم مواد مخدر از دیدگاه حقوق داخلی و حقوق بین الملل، چاپ دوم، نشر خط سوم، ۱۳۸۰
۷. شامبیاتی، دکتر هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ یازدهم، انتشارات ژوبین ۱۳۸۰
۸. شهیدی، محمد حسن، مواد مخدر، امنیت اجتماعی و راه سوم، چاپ اول، انتشارات اطلاعات ۱۳۸۱
۹. صبور اردوبادی، حمید، اعتیاد بالی قرن ۵۰، چاپ دوم، دانشگاه تبریز، ۱۳۸۲
۱۰. عزیزی، عبدالرضا، پیشگیری و درمان اعتیاد، چاپ دوم، انتشارات راه چهارم، ۱۳۸۵
۱۱. کلمن، ورنان، اعتیاد چیست؟ معناد کیست؟ ترجمه علیرضا میرفخرایی، چاپ سوم، نشر اوحدی ۱۳۸۰
۱۲. کی نیا، مهدی، مبانی جرم شناسی، جلد ۵، انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۸۳
۱۳. گسن، ریموند، جرم شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ اول ناشر: مترجم، ۱۳۸۱
۱۴. گلپایگانی، آیت... صافی، جامع الاحکام، جلد ۵، مؤسسه حضرت معصومه (س)
۱۵. مهریار، امیر هوشنگ، جزایری، مجتبی، اعتیاد، پیشگیری و درمان، انتشارات چهر، چاپ دوم، ۱۳۸۰
۱۶. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ چهارم، نشر دادآفرین ۱۸۱۱
۱۷. نوری، میرزا حسن، مستدرک الوسائل، جلد ۱۱، مؤسسه آل البیت، قم، ۱۴۰۳ هـ. ق

-
۱۸. نوری، یحیی، فتوای تحریم اعتیاد و مواد مخدر، نوید نور، تهران ۱۳۸۱
۱۹. هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم حاکمیت و نهادهای سیاسی (چاپ دوم نشر دادگستر ۱۳۸۱)